محاکمه عضو شورای شهر مشهد

عضو شورای شهر مشهد و تعدادی دیگر از متهمان این پرونده دیروز به صورت علنی در دادگاه محاکمه شدند.

به گزارش میزان، نخستین جلسه رسیدگی به اتهامات یکی از اعضای شورای شهر به همراه تعدادی دیگر از متهمان، روز شنبه در شعبه ۱۳۲ دادگاه کیفری ۲ مشهد به ریاست قاضی باخدا در مجتمع قضایی امام خمینی (ره) به طور علنی برگزارشد.

پس از قرائت کیفرخواست توسط نماینده دادستان عمومی و انقلاب مشهد برای هفت متهم پرونده، متهمان حاضر در جلسه به دفاع از خود در برابر اتهامات مختلف از جمله ارتکاب فعل حرام، شرب خمر، اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی، تحصیل مال نامشروع، ارتشا، شروع به ارتشا، تصدی بیش از یك شغل، انتشار عکس‌های مستهجن، روابط نامشروع و سایر اتهامات پرداختند.

مرد آزارگر با ربودن دختر جوان ۲ هفته او را شکنجه می‌داده است

نجات از خانه وحشت

دختر ۲۲ ساله گمان نمی‌کرد که دوستی اینستاگرامی‌اش با پسر جوان او را در دام مرد شیطان‌صفت گرفتار کند و دو هفته در خانه ویلایی زندانی شود. متهم بعداز دستگیری اعتراف کرد به خانه پدری دختر جوان هم دستبرد زده و یك‌کیلو و نیم طلا دزدیده است.

به گزارش جام‌جم، روزهای پایانی آبان امسال خانواده‌ای با حضور در شعبه چهارم بازپرسی دادسرای جنایی تهران و طرح شکایتی عنوان کردند که دختر ۲۲ ساله آنها از خانه‌شان در غرب تهران بیرون رفته و بازنگشته و تلفن همراهش نیز خاموش است.

آغاز تحقیقات

با دستور بازپرس پرونده، تحقیقات پلیس آگاهی تهران آغاز شد. در جریان تحقیقات پلیسی، اطلاعاتی به دست آمد که نشان می‌داد، دختر جوان دوستی اینستاگرامی با پسر جوانی داشته که آخرین بار هم قصد ملاقات او را داشته که بعد از آن ناپدید شده است. همین سرنخ کافی بود که ماموران به پسر جوان مشکوک شوند. او به‌عنوان تنها مظنون در پرونده گمشده دختر ۲۲ ساله تحت تعقیب پلیس قرار گرفت. جست‌وجوها در این باره ادامه داشت تا این‌که بعد از جست‌وجوهای مداوم، ماموران اطلاعاتی به‌دست آوردند که نشان می‌داد، پسر جوان خانه‌ای ویلایی در شهرپرند به نام مادرش اجاره کرده است. با کشف این سرنخ، ماموران دیگر اطمینان یافتند که دختر جوان باید در این خانه ویلایی باشد.

دستگیری متهم

مأموران با هماهنگی قضایی دو روز پیش به خانه مورد نظر رفتند و آنجا را زیرنظر گرفتند. بعد از ساعاتی متوجه فردی شدند که شباهت بسیاری به متهم داشت و وارد همان خانه ویلایی شد. همانجا بود که ماموران مطمئن شدند او پسر مورد نظر است. خانه را محاصره کرده و با ورود به این خانه، پسر جوان را که در یکی از اتاق‌های خانه پنهان شده بود، شناسایی و دستگیر کردند. در بازرسی از وسایل همراه او کارت بانکی و گوشی سرقتی از دختر جوان نیز کشف شد.

ماموران در ادامه صدای گریه و ناله‌های خفیفی را شنیدند و وقتی رد صداها را گرفتند، به زیر زمین خانه ویلایی رسیدند که در آنجا قفل بود. ماموران با شکستن قفل وارد آنجا شده و دختر ربوده شده را با دست و پای بسته یافته و نجات دادند. دختر جوان همراه متهم برای ادامه تحقیقات به اداره ۱۶ پلیس آگاهی تهران منتقل شد.

جزئیات آزار در خانه وحشت

دختر جوان به افسر تحقیق گفت: دو ماه پیش با این پسر جوان در اینستاگرام دوست شدم و ارتباطمان شکل گرفت. چند بار همدیگر را ملاقات کردیم. آن روز او با من تماس گرفت و از من خواست برای تفریح به یکی از بوستان‌های تهران برویم که قبول کردم. سوار خودروی پژویش شدم که در میانه راه با چاقو مرا تهدید کرد و به جای این‌که به بوستان برویم، مرا ربود. هر چه التماس کردم مرا رها کند بی‌فایده بود. مرد آدم‌ربا ضربه‌هایی به سرم زد که بی هوش شدم. زمانی که به هوش آمدم در خانه ویلایی بودم. او ابتدا پول و گوشی‌ام را دزدید. بعد دست و پایم را بست و در اتاق زندانی‌ام کرد. بعد از ساعتی هم مرا مورد آزار و اذیت قرار داد. دو هفته در آن خانه مرا به گروگان گرفته بود.

شاکی ادامه داد: شکنجه‌ام می‌داد و از صحنه آزار و اذیتم فیلم می‌گرفت. تهدید می‌کرد که اگر سر و صدا کنم، علاوه بر انتشار فیلم سیاه در اینستاگرام و کانال‌های تلگرامی آن را برای خانواده‌ام نیز ارسال می‌کند تا آنها با دیدن این فیلم دست به خودکشی بزنند. هر روز چند بار شکنجه ام می‌داد و کتکم می‌زد. آب و غذای کمی به من می‌داد. فکر نمی‌کردم که از اسارتگاه جوان شیطان صفت رها شوم و هر لحظه مرگ را مقابل چشمانم می‌دیدم. دل‌نگران خانواده‌ام بودم.

اعترافات مرد آزارگر

فرید متهم ۲۲ ساله گفت: من دختر جوان را در اینستاگرام فریب داده و با او دوست شدم. من او را ربودم، مورد آزار و اذیت و شکنجه قرار دادم اما تجاوزی در کار نبود. پول و کارت بانکی‌اش را هم سرقت کردم. به دروغ به او گفتم که از او فیلم سیاه تهیه کرده‌ام تا با این ترفند بتوانم با تهدید به انتشار آن از خانواده‌اش اخاذی کنم که بعداز دو هفته مخفیگاهم لو رفت و دستگیر شدم.

در حالی که تحقیقات از او ادامه داشت متهم این بار اعتراف کرد که علاوه بر آن به خانه پدری شاکی هم دستبرد زده و در این باره به افسر تحقیق گفت: یك ماه پیش از این‌که نقشه ربودن دختر جوان را اجرا کنم با او به رستورانی رفتیم. در یك فرصت، کلید خانه‌شان را از کیفش برداشتم. بعد از چند روز مقابل خانه آنها رفته و آنجا را زیرنظر گرفتم و شبی که مطمئن شدم آنها به مهمانی رفته‌اند، نقشه دزدی را اجرا کردم. کلید روی گاوصندوق بود و به این ترتیب توانستم، یك کیلو و نیم طلا را که در آنجا نگهداری می‌شد، سرقت کنم. با فروش طلاهای سرقتی، خودروی مدل بالایی خریدم و بقیه پول آن را به مردی دادم و به نام مادرم یک خانه ویلایی در پرند اجاره کردم و دختر جوان را بعد از آن‌که ربودم، دو هفته در آنجا شکنجه‌اش دادم.

متهم با ربودن دختر جوان او را ۲ هفته در زیرزمین خانه‌اش مورد شکنجه و آزار و اذیت قرار می‌داد

گروگانگیران برای اخاذی به بدن مرد پولدار برق وصل کردند

بن‌بست تحقیقات برای دستگیری آدم ربای نامرئی

سه عضو باند گروگانگیران خشن که به بدن گروگان برق وصل کرده بودند، دیروز در حالی پای میزمحاکمه قرار گرفتند که تحقیقات پلیس برای دستگیری سرکرده نامرئی باند با بن‌بست روبه‌رو شده است.

به گزارش جام‌جم، اوایل سال گذشته مردی با مراجعه به پلیس آگاهی تهران اعلام کرد از سوی سه نفر ربوده شده و توانسته با ترفندی از دستشان فرار کند.

او ادامه داد: مهندس ثروتمندی هستم. سه نفر با یك دستگاه خودروی ون سد راه من شده و با معرفی خود به عنوان مامور وزارت اطلاعات، مرا ربودند. آنها من را به مخفیگاهشان برده و شکنجه ام کردند. درخواست پول کردند که مدعی شدم پول را در محلی مخفی کرده‌ام که فقط خودم می‌توانم به آن دسترسی داشته باشم. به بهانه آوردن پول به اداره آگاهی آمدم.

پس از این شکایت تیمی از ماموران اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران وارد عمل شده و سه متهم پرونده را دستگیر کردند، اما سرکرده باند هیچ وقت دستگیر نشد.

با گذشت یك‌سال و نیم از این ماجرا و در حالی که ردی از سرکرده باند نبود، پرونده با صدور کیفرخواست به شعبه دهم دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد. دیروز جلسه رسیدگی به این پرونده با حضور سه نفر از متهمان و شاکی برگزار شد.

در ابتدای جلسه، شاکی به قضات گفت: روز حادثه متهمان با جعل عنوان مامور وزارت اطلاعات مرا ربودند و در مخفیگاهشان به بدنم برق وصل کردند تا به آنها پول بدهم. آنها ۱۵ میلیون تومان از عابربانکم سرقت کرده و به من توهین می‌کردند. اگر متهمان هویت سرکرده باند را اعلام کنند از شکایت خود از آنها منصرف می‌شوم.

در ادامه یکی از متهمان در جایگاه ایستاد و گفت: یك‌سال قبل از حادثه با مرد ثروتمندی آشنا شدم که خوش تیپ بود. او مدعی بود قصد دارد یك کارخانه راه‌اندازی کند. قرار بود من راننده او در کارخانه شوم. او مرد دست و دلبازی بود و به من پول می‌داد. روز حادثه از من خواست مرد بدهکاری را برایش بیاورم تا طلبش را از او بگیرد. همه اطلاعات آن مرد را داشت و می‌دانست چه زمانی از خانه خارج می‌شود و برمی‌گردد. به خاطر او قبول کردم و با کمك عباس و میثم او را ربوده و عباس به بدنش برق وصل کرد.

وی درباره هویت سرکرده باند گفت: من هیچ وقت چهره‌اش را ندیدم. همیشه عینك دودی می‌زد و به خاطر حساسیت پوستی از ماسك بهداشتی استفاده می‌کرد. هیچ‌وقت صورتش را ندیدم. یك خط تلفن همراه داشت که با آن با او در ارتباط بودیم.

عباس هم وقتی در جایگاه قرار گرفت، مدعی شد سرکرده باند را نمی‌شناسد و افزود: من شر خر بودم و برای وصول طلب سه میلیاردی با سرکرده باند آشنا شدم. او خیلی دست و دلباز بود. در خیابان و محل‌هایی که دوربین نداشت، قرار می‌گذاشت و از من خواست برای وصول طلبش مرد ثروتمند را به گروگان بگیرم تا انتقام بگیرد. بعد از این‌که من دستگیر شدم، او چند ماه به خانواده‌ام کمك کرد و من به همین دلیل اتهام را قبول کردم. مدتی است کمك نمی‌کند و تصمیم گرفتم ماجرا را فاش کنم. او همیشه پول را در پاکت می‌گذاشت و به داخل حیاط خانه‌ام پرت می‌کرد. از او فقط یك شماره تماس داشتم که به پلیس آگاهی دادم.

آخرین متهم منکر اتهامش شد و گفت: من پیك موتوری بودم و در آدم‌ربایی نقشی نداشتم. حتی وقتی متوجه شکنجه‌های شاکی شدم به او دارو دادم تا کمتر درد بکشد.

پس از دفاعیات متهمان و وکلای آنها، قضات برای تصمیم گیری و صدور رای وارد شور شدند.

انهدام باند خانوادگی فروش مدارك جعلی دانشگاه

اعضای باند خانوادگی که با تهیه و فروش مدارك دانشگاهی جعلی از مردم کلاهبرداری می‌کردند، بازداشت شدند.

به گزارش جام‌جم، سردار سیدکمال هادیانفر، رئیس پلیس فتای ناجا در این باره گفت: سرکرده اصلی و چهار نفر از اعضای باند جعل مدارك دانشگاهی و مهارتی، با تلاش ماموران پلیس فتای استان خراسان رضوی و هماهنگی کارشناس هیات نظارت و ارزیابی مدارك دانشگاهی بازداشت شدند. در جریان تحقیقات معلوم شد دیگر اعضای این باند، در استان‌های دیگر نیز فعالیت دارند که آنها تحت تعقیب پلیس قرار گرفتند. سه نفرشان در استان اصفهان یک نفر در شهرستان نوشهر بازداشت شدند.

وی افزود: آنها از طریق تبلیغات در فضای مجازی و با ادعای صدور مدارك دانشگاهی و مهارتی، تأییدیه‌های جعلی برای تقویت رزومه مهاجرت و استخدام و... مردم را فریب داده و با فروش مدارك جعلی از افراد کلاهبرداری می‌کردند. متهم اصلی با سوءاستفاده از سوابق کاری گذشته خود که معاون قبلی یکی از موسسات آموزشی بوده با تاسیس شرکت همراه فرزند و عروسش از سال ۹۰ در زمینه صدور مدارك تحصیلی فعالیت می‌کرد. متهم اصلی این پرونده مدارك تحصیلی زیادی را برای متقاضیان از دیپلم تا دکتری در قبال دریافت مبالغی حدود ۵۰۰ هزار تومان تا هفت میلیون و ۵۰۰ هزارتومان صادر کرده و می‌فروخته است.

برای متهمان قرارقانونی صادرشد و تحقیقات از آنها ادامه دارد.

متهمان مدارك تحصیلی دیپلم تا دکتری را بین ۵۰۰هزار تا ۷/۵ میلیون تومان می‌فروختند

گوشی‌قاپی در تهران، فروش در افغانستان

اعضای سابقه‌دار یك باند که با زور و تهدید قمه و قداره راه مردم را سد کرده و گوشی‌هایشان را سرقت می‌کردند، در جریان تحقیقات به ۷۰ فقره گوشی‌قاپی اعتراف کردند.

به گزارش جام‌جم، از اوایل مهر امسال رسیدگی به شکایت‌هایی در دستور کار ماموران پلیس آگاهی تهران قرار گرفت که بررسی‌های اولیه نشان داد، اعضای یك باند که سه مرد جوان و یك دختر هستند با موتورسیکلت‌های تندرویشان در مناطق مختلف تهران گوشی‌قاپی می‌کنند.

با دستور بازپرس شعبه پنجم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران، تحقیقات پلیسی برای دستگیری اعضای این باند ادامه پیدا کرد. ماموران با اطلاعات به دست آمده از شاکیان به چهره‌نگاری از سارقان فراری پرداختند و سرانجام معلوم شد آنها سابقه‌دار بوده و تصاویرشان در بانك مجرمان حرفه‌ای پلیس آگاهی ثبت شده است. آنها همراه سرکرده باند به نام اسماعیل در خانه مجردی در حوالی میدان خراسان بازداشت شدند و هشت دستگاه گوشی سرقتی از آنجا کشف شد. در جریان تحقیقات دختری به نام فرناز که با این باند فعالیت داشت هم شناسایی و دستگیر شد.

تحقیقات از متهمان نشان می‌داد که آنها گوشی‌های سرقتی را به فردی در مقابل پاساژ علاءالدین به نام مجیدکچل که سابقه‌دار است، فروخته‌اند. ماموران به پاساژ علاءالدین رفته و او را در حال فروش گوشی‌های سرقتی، دستگیر کردند.

مجید اعتراف کرد که گوشی‌های سرقتی را به مردی افغان فروخته که این فرد هم بازداشت و به جرایمش اعتراف کرد و گفت گوشی‌های سرقتی را که ۷۰ عدد بوده به افغانستان برده و فروخته است.

سرهنگ احمد نجفی، معاون سرقت‌های خاص پلیس آگاهی تهران در این باره گفت: در تحقیقات بعدی دو نفر که در ماجرای انتقال گوشی‌های سرقتی به خارج از کشور نقش داشتند نیز شناسایی و بازداشت شدند. متهمان در بازداشت به سر می‌برند و تحقیقات در این باره ادامه دارد.

متهمان اعتراف کردند ۷۰ گوشی سرقتی را به افغانستان برده ودر آنجا فروختند

تلنگر

نجات ۲۱ کوهنورد در تسوج

۲۱ کوهنورد گرفتارشده در ارتفاعات کوه‌های الماس بخش تسوج با تلاش امدادگران هلال‌احمر نجات یافتند.

علیرضا داغستانی، رئیس جمعیت هلال‌احمر تسوج به ایسنا گفت: ساعت ۱۷ و ۲۹ دقیقه فردی در تماس با نجاتگران پایگاه امداد و نجات هلال‌احمر تسوج خبر داد که یك گروه کوهنوردی در ارتفاعات گرفتار شده و دو نفر از آنها که مرد ۶۱ ساله و زن میانسالی بودند مصدوم هستند. امدادگران هلال احمر به ارتفاعات کوه‌های روستای الماس بخش تسوج اعزام شدند و آنها را نجات دادند. دو مصدوم به بیمارستان منتقل شدند و بقیه گروه کوهنوردان را از ارتفاعات به پایین آوردند.

تصادف زنجیره‌ای با ۳ کشته

تصادف زنجیره‌ای سه خودروی سواری در محور کرمانشاه-روانسر به مرگ سه تن و مصدومیت سه نفر دیگر منجر شد.

محمدامین عزیزی، مسؤول روابط عمومی جمعیت هلال احمر استان کرمانشاه به فارس گفت: ساعت ۸ و ۵۶ دقیقه وقوع تصادف زنجیره‌ای سه خودروی سواری پژوپارس، تویوتا هایلوکس و آریو در محور روانسر - کرمانشاه به اورژانس گزارش شد. امدادگران اورژانس در آنجا حاضر شدند و پی بُرند سه نفر که سرنشینان خودروها بودند، کشته شده‌اند. سه مصدوم نیز نجات یافته و در بیمارستان بستری شدند.

قتل پدرزن به دست داماد

مرد معتادکه بعداز قتل پدرزن و زخمی کردن برادر همسرش متواری بود، از سوی پلیس همدان بازداشت شد.

سردار بخشعلی کامرانی، فرمانده انتظامی استان همدان به سایت پلیس گفت: چند روزپیش مرد معتادی برای بازگرداندن همسرش به خانه پدری او در یکی از محله‌های شهر همدان رفت. او در پی درگیری با این خانواده پدرزنش را با شلیك گلوله کشت و برادرزنش را زخمی کرد. داماد ۲۷ ساله تحت تعقیب پلیس بود تا این‌که دو روز پیش بازداشت شد و به این تیراندازی مرگبار اعتراف کرد. متهم به قتل روانه بازداشتگاه پلیس آگاهی شد.

قتل نوعروس به دست داماد ۱۸ ساله

تازه داماد بعد از اختلاف با همسر ۱۶ ساله‌اش او را مسموم و سپس خفه کرد.

به گزارش جام‌جم، سرهنگ ابراهیم کوچك‌زائی، فرمانده انتظامی شهرستان خاش گفت: شامگاه نهم آذر امسال، وقوع مرگ مشکوك زنی در بیمارستان شهر خاش به پلیس گزارش شد. ماموران با حضور در بیمارستان و تحقیقات اولیه متوجه شدند زن ۱۶ ساله فوت شده است. تحقیقات نشان می‌داد او ساکن روستایی از توابع بخش پشتکوه بوده است. بررسی‌ها نشان می‌داد آثار ضرب و شتم و کبودی بر سر و صورت او وجود دارد.

وی افزود: با احتمال قتل این زن نوجوان، ماموران به تحقیقات از اهالی روستا ادامه دادند که معلوم شد، او با شوهرش که پسرعمه‌اش بوده، اختلاف‌های زیادی داشته است. ماموران متوجه شدند که شوهر مقتول فرار کرده است. او تحت تعقیب پلیس قرار گرفت و در کمتر از پنج ساعت شناسایی و بازداشت شد. متهم ۱۸ساله که کارگر گلخانه‌ای در خاش بود در تحقیقات پلیسی گفت کمتر از شش ماه بوده که ازدواج کرده‌اند، با همسرش دچار اختلاف شده، او را با سم کشاورزی مسموم و بعد با دستانش خفه کرده است. با اعتراف متهم، تحقیقات پلیسی از وی ادامه دارد.

مرگ ۳ زن باردار در تصادف با قاچاقچی سوخت

تصادف خودروی قاچاق سوخت هنگام فرار مرگ سه زن باردار را رقم زد.

سرهنگ یوسف نجفی، فرمانده پلیس‌راه استان کرمان به تسنیم گفت: خودرویی که سوخت قاچاق حمل می‌کرد در مقابل پلیس‌راه ریگان زمانی که متوجه شد پلیس به او شك کرده تصمیم به فرار گرفت. راننده با سبقت غیرمجاز قصد فرار داشت که با خودرویی که از مقابلش می‌آمد تصادف کرد. در این تصادف سه زن باردار در آتش سوختند.